

ضرورت جرم انگاری ازدواج اجباری مبتنی بر رفتار مالکانه در

حقوق ایران و عراق در پرتو حقوق جهانشمول بشر

هلاله هنرمند^۱ انور احمدی^{۲*} احمد فلاحی^۳

چکیده

در تمامی نظام‌های فرهنگی و حقوقی دنیا، موافقت طرفین در ازدواج، عامل مهم موفقیت استحکام نهاد خانواده و پایداری عقد ازدواج می‌باشد. با این همه، هنوز در بسیاری از جوامع بشری ازدواج‌های اجباری در اقسام مختلف وجود دارد. ازدواج اجباری نوعی ازدواج است که حداقل یکی از طرفین از رضایت و اراده کافی برخوردار نیستند. یکی از کشورهایی که به دلیل بافت سنتی و قدیمی آن هنوز ازدواج اجباری در آن وجود دارد، کشور ایران و عراق است، به نحوی که در رسوم برخی اقوام، رضایت زنان در ازدواج نادیده گرفته می‌شود. تحقیق حاضر از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است و در صدد پاسخگویی به این سؤال است که رویکرد نظام حقوقی ایران و عراق نسبت به پدیده اجباری ازدواج مبتنی بر رفتار مالکانه چگونه است و ضرورت جرم انگاری آن کدام است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ازدواج اجباری مورد توجه هر دو نظام حقوقی واقع شده ولی به صورت خاص جرم انگاری نشده است، لذا شایسته است جرم انگاری ازدواج اجباری تحت عنوان جرم ضروری بوده و گامی در راستای حمایت از بزده دیدگاه و گروه‌های آسیب پذیر می‌باشد. همچنین عناصر تشکیل دهنده ازدواج اجباری به عنوان جنایت علیه بشریت بر اساس حقوق بین الملل عرفی، موید آن است که این جرم هم در ماهیت و هم از حیث درجه صدمه وارد شده به قربانی با سایر مصادیق جنایت علیه بشریت قابل قیاس است.

واژگان کلیدی: حقوق بنیادین، نظام‌های فرهنگی، جامعه ایران، جامعه عراق

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران (نویسنده مسئول)

* ahmadiyahs@ymail.com

۳. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره سیزدهم، شماره پیاپی پنجاه و یک، صص ۲۷۱-۳۰۱

مقدمه

حق مالکیت یکی از مهم‌ترین حقوق بنیادین محسوب می‌شود و از پیشینه طولانی برخوردار است. انسان از آن زمان که اطراف خود را شناخت، برای خویش حریمی مشخص کرد تا دیگران به آن تجاوز ننمایند. این حق به عنوان یکی از حقوق مسلم فردی، در حوزه خصوصی جای می‌گیرد. به طور کلی در جامعه دو حوزه عمومی و خصوصی وجود دارد. مقصود از حوزه عمومی، گاه قلمرو اقتدار دولتی است. قلمرویی که برخلاف قلمرو خصوصی، اصولاً مشمول نظارت اجتماعی و به دنبال آن مداخله دولت است. همچنین گاه منظور از حوزه عمومی، قلمرو جدا از دولت است، که نه همچون روابط شخصی و خانوادگی خصوصی است و نه قلمرو اقتدار دولت است. حوزه خصوصی نیز شامل دو قلمرو است. از طرف دیگر آزادی به این معناست که انسان در اموری که توانایی انجام آن را دارد و خواهان انجام آن است، منع نشود. اصل احترام به حقوق و آزادی‌ها نیز ایجاب می‌نماید که آزادی افراد جامعه از سوی دولت، به عنوان ارزشی بنیادین پذیرفته شده و دولت فقط در راستای حمایت و تضمین آزادی‌های افراد جامعه، از قدرت قانون‌گذاری استفاده نماید. در پرتو همین اصل، حق مالکیت به عنوان یکی از حقوق مسلم فردی همواره مورد احترام بوده و حمایت و دفاع از این حق، تکلیف دولت و حق مالکان است. لذا ضرورت احترام به حق مالکیت و حمایت همه جانبه از حقوق مالکانه افراد، به عنوان یک اصل در قانون اساسی پذیرفته شده و هرگونه مداخله دولتی در این حوزه به عنوان امری استثنائی و خلاف اصل، به موارد ضروری و حداقلی محدود شود (افضلیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۱).

جوامع بین‌المللی و ملی در طول تحولات تاریخی به روش‌های مختلف در صدد پیشگیری از این تعارض بوده‌اند و در این راستا اسناد مختلفی تدوین شد و الزام‌هایی را در سطح بین‌المللی و داخلی برای کشورها و افراد ایجاد کردند. در ایران در قانون اساسی ایران به موجب اصول ۲۲، ۴۲ و ۴۷ و همچنین در قانون اساسی عراق به موجب ماده ۲۳، این حق از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است. اصل ۲۲ قانون اساسی ایران بیان می‌دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند». یکی از مهمترین مصادیق رفتار مالکانه

ازدواج اجباری می‌باشد به نحوی به عنوان یکی از اشکال خشونت خانگی، زنان را هدف قرار داده و حقوق بنیادین آنها را در انتخاب همسر تهدید می‌نماید. دواج اجباری از نظر عرف انسانی، شرعی و قانونی، جرم، حرام شرعی و از نظر اخلاقی مذموم شمرده می‌شود و روح سالم انسان با چنین اعمالی دفع می‌شود که یک فرد عادی به هیچ وجه آن را نمی‌پذیرد، همچنین ازدواج اجباری. رسم دیرینه‌ای است که از آغاز بشریت و به اشکال مختلف و از زمان شکل‌گیری آن وجود داشته است (مقدسی و عامری، ۱۳۹۵: ۱۷۳). انسان قوانینی وضع کرد و احکام الهی را نازل کرد. این پدیده در شهرهای پیشرفته یا به طور کلی متمدن شروع به فروکش کرد اما همچنان در بین ساکنان رواج دارد. کویر و ساکنان برخی از مناطق روستایی با گرایش قبیله‌ای این پدیده در بین ساکنان شهرها نیز به مهمترین دلایل وجود دارد که حفظ ثروت و دلایل دیگری است. خانواده که هسته اصلی جامعه است نیاز به تلاش بسیار زیادی برای مهار آن دارد زیرا تداوم آن باعث فلج شدن جامعه و گسترش هرج و مرج در آن می‌شود زیرا موفقیت جامعه مرهون موفقیت خانواده است.

در ازدواج اجباری با فرد رفتار مالکانه می‌شود و قدرت انتخاب از فرد سلب می‌شود در حالی که براساس بند «الف» ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، زن و مرد وقتی به سن ازدواج برسند می‌توانند بدون هیچ قید نژادی و ملی و دینی ازدواج کنند و خانواده بنیاد گذارند. آنان به هنگام زناشویی و در اثناء و هنگام انحلال ازدواج دارای حقوق متساوی می‌باشند. همچنین در ماده ۱۶ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹، ماده ۱ کنوانسیون تکمیلی الغای بردگی، تجارت برده و نهادها و اعمال مشابه برده داری ۱۹۶۵، ماده ۵ اعلامیه حقوق بشر اسلامی بر ازدواج آزادانه و منع اجبار در این خصوص تاکید شده است. لذا در این نوشتار ضمن شناسایی و بررسی مصادیق ازدواج اجباری و رویکردهای مطرح در مورد آن، به دیدگاه قانون‌گذار ایران و عراق و نیز ضرورت جرم‌انگاری جرم مذکور در دو نظام حقوقی مذکور می‌پردازد.

۱. چارچوب مفهومی

«مالکیت» در لغت به معنای استعمال کردن، بهره‌برداری و انتقال یک چیز یا صاحب چیزی بودن است (سربازیان و رنجبریان، ۱۳۹۴: ۵۹). به نظر می‌رسد در لغت، مالکیت از معنای اصطلاحی خود الهام گرفته است. بر همین مبنا یکی از بزرگان حقوق کشور در تعریف حق مالکیت گفته است: «حقی است که انسان نسبت به شیء ای دارد و می‌تواند هرگونه تصرفی در آن بکند؛ به جز آنچه که مورد استثنای قانون است. حق استعمال و بهره‌برداری و انتقال یک چیز به هر صورت مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد. در قانون مدنی ایران مالکیت فقط در مورد عین استعمال نشده است» (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۱: ۵۹۹).

در اصطلاح علم حقوق، «مالکیت» هرگونه حق انحصاری (مستند به ماده ۳۱ ق.م) و دائم که اشخاص نسبت به اشیاء (اموال) دارد و امکان هرگونه تصرفات مشروع و قانونی را در آن‌ها میسر سازد (کاتوزیان، ۱۴۰۲: ۵۴).

مالکیت کلمه‌ای عربی و مصدر جعلی می‌باشد و در لغت به مرعانی مالک بودن، مالکی به کار رفته است (معین، ۱۳۸۷: ۳۷). در قوانین موضوعه ایران از جمله قانون مدنی از حق مالکیت تعریفی ارائه نشده است و علمای حقوق با عنایت به اوصاف و آثار مالکیت هر یک از آن تعریفی ارائه داده‌اند که به چند تعریف در ذیل اشاره می‌گردد:

مالکیت حقی است که به موجب آن یک چیزی به طور مطلق و انحصاری در اختیار و اراده یک نفر واقع می‌شود و از کامل‌ترین حقوق عینی است (عدل،: ۵۷)

مالکیت حقی است دائمی که به موجب آن شخص می‌تواند در حدود قوانین تصرف در مالی را به خود اختصاص دهد و از تمام منافع آن استفاده نماید (کاتوزیان، ۱۴۰۱: ۱۰۲). با عنایت به جمیع تعاریفی که از مالکیت ارائه شد نظر به این که تمامی آن‌ها این حق برای شخص (یک فرد انسانی) محترم شناخته شده، به نوع مالکیت خصوصی یا فردی یا اختصاصی تعریف شده است ولیکن برای این که بتوانیم تعریف صحیحی از مالکیت خصوصی ارائه بدهیم باید این نوع از مالکیت را در مقایسه با نوع دیگری از مالکیت که همان مالکیت عمومی است مورد شناسایی قرار دهیم. مالکیت عمومی همان گونه که از نامش پیدا است حقی است که عموم مردم ساکن یک کشور نسبت به اموال پیدا می‌کنند.

اموال عمومی برابر قانون مدنی به دو قسمت تقسیم می‌شوند (مشترکات عمومی و اموال دولتی) و هر یک مشمول مقررات خاصی در زمینه انتقال (خرید و فروش) تملک، نوع و چگونگی استفاده و غیره می‌باشند.

قانون مدنی از اموال و مشترکات عمومی تعریف ارائه نداده است لیکن مواد ۲۳ لغایت ۲۸ که تحت عنوان اموال بدون مالک می‌باشد، باعث شده که علمای حقوق بنابر استنباط شخصی خویش هر یک تعریفی از آن ارائه دهند که در ذیل به چند تعریف اشاره خواهد شد. «اموالی که برای استفاده مستقیم تمام مردم آماده است، یا اختصاصی به حفاظ مصالح عمومی داده شده و دولت تنها از جهت ولایتی که بر عموم دارد می‌تواند آن را اداره کند مانند پل‌ها، موزه‌ها و معابر عمومی» (همان: ۶۵). «اموالی است که متعلق به عموم می‌باشد و طبق ماده ۲۳ ق.م استفاده از آنها برای افراد مطابق قوانین مربوط به آنها خواهد بود» (امامی، ۱۴۰۱: ۳۵).

البته ناگفته نماند که مالکیت دولت مانند مالکیت خصوصی اشخاص حقوق خصوصی نمی‌باشد بلکه تصویب برخی قوانین تصرفات دولت را در این اشتباه تا اندازه‌ای محدود کرده است. مثلاً تعاملات وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی اعم از خرید و فروش و اجاره و پیمان‌کاری و ... باید حسب مورد از طریق مناقصه یا مزایده انجام شود مگر در موارد خاصی که در قانون پیش‌بینی گردیده است. یا مثلاً دولت در فروش اموال غیر منقول که از نفایس ملی باشد، تأسیسات و استحکامات نظامی و کارخانجات اسلحه و مهمات‌سازی، آثار و بناهای تاریخی ممنوع می‌باشد. بنابراین مالکیت خصوصی حقی است که به موجب آن شخص می‌تواند به نفع خود نسبت به اموال سلطه مالکانه داشته باشد (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۱: ۶۰۰).

۲. ازدواج اجباری به مثابه خشونت و نقض حقوق بنیادین بشر

وجود «مالکیت مرد بر زن» را در مشاهده رفتارهای خروجی این ایده می‌توان دید. باوری که صفر یا صدی نیست اما مانند یک طیف عمل می‌کند. این باور در گروهی از مردان بیشتر است طوری که می‌توانند برای ادامه حیات زن تصمیم‌گیری کنند چیزی که به آن قتل ناموسی گفته می‌شود، در گروهی کمتر وجود دارد طوری که برای رفت و آمد زن یا نوع پوشش او تصمیم‌سازی می‌کنند، در گروهی باز کمتر می‌شود طوری که به

مدیریت رفتار زن باور دارند و فقط ممکن است آن را به زبان نیاورند و یا در بیان و کاربرد آن ملاحظه کنند، و در گروهی خیلی کمتر وجود دارد چون آن‌ها تصمیم دارند با این باور غلط در مواجهه با خود مبارزه کنند. مفهوم «ازدواج اجباری» یا «ازدواج تحمیلی» بیشتر در حوزه حق برآزادی مورد بحث قرار می‌گیرد چرا که حق مزبور از حقوق بنیادین فرد بوده و در اسناد متعددی مانند حقوق بشر پیش بینی شده است و ازدواج اجباری موجب نادیده گرفته شدن حق آزادی افراد و حق تعیین سرنوشت شده و آن را به نقض فاحش حقوق بشر مبدل می‌سازد از طرف دیگر اصولی مانند لزوم صیانت از کرامت و حیثیت ذاتی انسان و به تبع آن اصل حرمت زندگی شخصی، ممنوعیت بردگی و برابری همه انسان‌ها در بهره‌مندی از حقوق، اقتضا می‌کند که حقوق افراد در گزینش آزادانه در ازدواج محترم شمرده شود.

اجبار در فرهنگ لغت علوم اجتماعی به معنای «فشار دادن» است که از نظر مفهومی، به معنای تحمل آزار جسمانی یا روانی است در این بین، فعل اجباری به کاری گفته می‌شود که از روی قهر و ستم انجام شود (معین، ۱۳۹۰: ۴۵۶) و منظور از تحمیل، واداشتن کسی به انجام کاری یا پذیرش چیزی برخلاف میل او است (انوری، ۱۳۸۱: ۱۶۴۳) بدین سان ازدواج اجباری نوعی از ازدواج است که مبتنی بر آزادی و رضایت کامل یک یا هر دو طرف مورد نظر نیست بلکه بر اساس فشار جسمی یا عاطفی است و در بیشتر کشورها این عنصر فشار می‌تواند شامل فشار جسمی، روانی، مالی، جنسی و عاطفی باشد (Dauvergne, 2010: 78) «دانیلین لوزیک» معتقد است، مسئله اجتماعی به شرایطی اطلاق می‌شود که غلط، مشکل‌زا، فراگیر و البته قابل تغییر باشد. (لوزیک، ۱۳۹۴: ۱۸۷) از این منظر مالکیت مرد بر زن یک مسئله اجتماعی است چرا که این باور در گام اول غلط است، اساساً کسی نمی‌تواند برای تن و افکار غیر تصمیم‌سازی کند، تصمیم‌سازی برای دیگران تنها معطوف به عرصه عمومی و برای یک خیر جمعی است مانند این‌که می‌توان با چراغ قرمز جلوی حرکت خودروی دیگران را گرفت و در صورت تخطی او را جریمه کرد اما نمی‌شود به کسی گفت باید با لباس قرمز در شهر تردد کنی و در صورت تخلف جریمه می‌شوی. (حق مالکیت). مالکیت مرد بر زن مشکل‌زا است چراکه در خروجی طیف‌های مختلف این مالکیت خشونت وجود دارد،

در عریان‌ترین حالت ممکن سلب سلب حیات می‌شود (قتل ناموسی) و در مرسوم‌ترین حالت ممکن سلب آزادی. در نهایت و مهم‌تر از همه مالکیت مرد بر زن قابل تغییر است. به تعبیر «لوزیک» به شرایطی مسئله اجتماعی اطلاق می‌شود که معتقد باشیم باید با دخالت انسان آن را تغییر داد و این تغییر منطقی نیز هست. (لوزیک: ۱۳۹۴: ۲۵)

نگارنده معتقد است با توجه به شروط بالا این مالکیت به‌مثابه یک مسئله اجتماعی است که با مداخله انسان باید تغییر کند. اما باید گفت مداخله‌ها برای حل یک مسئله نیاز به حد قابل قبولی از کیفیت دارند. یکی از انواع مالکیت مرد بر زن ازدواج اجباری می‌باشد. ازدواج اجباری به مثابه جرم بین‌المللی، اقدامی علیه آزادی اراده و رضایت افراد می‌باشد که می‌تواند در زمان و زمینه صلح نیز واقع شود و با پدیده موسوم به «ازدواج مقررشده» متفاوت است. ازدواج مقررشده به توافق نوشته یا نانوشته میان دو خانواده به جای زوجین در امر ازدواج، تعریف شده، جاری و رایج است. پدیده‌ای که در برخی فرهنگ‌های بومی کماکان جاری و رایج است. چنان که کارشناسان دادستانی دادگاه ویژه سیرالئون بیان کرده‌اند، ازدواج‌های مقررشده می‌توانند نقض هنجارهای حقوق بشری باشند، ولی برخلاف ازدواج اجباری، ماهیت رابطه جنایات بین‌المللی و حقوق بشر، عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی هر جنایت بین‌المللی، نقض حقوق بشر است، اما هر نقض حقوق بشری به آستانه جنایت بین‌المللی نمی‌رسد. ازدواج اجباری به عنوان جنایت بین‌المللی، ازدواجی مقرر شده و غیرآزاد است که همراه نوع و میزان خاصی از اجبار و اکراه است. (امیری، ۱۳۸۹: ۲۷۵).

۳. مبانی و اصول جرم‌انگاری ازدواج اجباری

از جمله مبانی و اصول جرم‌انگاری ازدواج اجباری مبتنی بر رفتار مالکانه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

نفی ضرر

آسیب نزدن به دیگران، در همه نظام‌های حقوقی به چشم می‌خورد که نزد همه فقها و حقوقدانان با اندک تفاوت پذیرفته شده است. این اصل در نظام حقوقی اسلامی تحت عنوان قاعده «لاضرر» بیان شده است. منبع و اساس این قاعده حدیث پیامبر اکرم (ص) است: «لاضرر و لا ضرار» در اسلام هیچ رفتاری جرم‌انگاری نشده مگر اینکه آن رفتار،

بالفعل یا بالقوه تولید ضرر کند. این ضرر می‌تواند جنبه فردی یا اجتماعی و نیز جنبه مادی یا معنوی داشته باشد. قاعده مذکور هم رفع ضرر می‌کند و هم دفع ضرر. به عبارتی؛ هم کارکرد رفعی (سازندگی) و هم کارکرد دفعی (بازدارندگی) (خلیل‌اللهی، ۱۳۸۹: ۲۰۶). در تطبیق قاعده فوق با ازدواج اجباری باید گفت که:

۱- هر گونه رفتاری که موجب ضرر گردد جائز نیست، یعنی برای احدی روا نیست که بدون علت به دیگران ضرر مالی، جانی، حیثیتی وارد کند، چون ایراد ضرر به دیگران ظلم بوده، و ظلم در تمام ادیان و کتب آسمانی تحریم شده است.

۲- ازدواج اجباری موجب ضررهای مادی و معنوی می‌گردد، و هر چیزی که ضرر مالی، جانی یا حیثیتی وارد آورد به گناه «تعبیر شرع» است که شرعاً ممنوع است و چیز ممنوع و حرامی که باعث اخلال در مصالح مردم شود بنابه دیدگاه فقها، حاکم شرع می‌تواند؛ آن را تحت عنوان تعزیر جرم انگاری کند. صحت این مطلب را با نقل بخشی از آنچه فقها در این زمینه نوشته‌اند، می‌توان اثبات کرد. یک فقیه حنفی مذهب می‌گوید: «هر گناهی تعزیر دارد... این مجازات تعیین نشده است و تعیین آن به اختیار امام است که به اقتضای عمل جرائم ارتكابی و اوضاع و احوال بزه‌کاران عمل می‌کند» (الزلیعی، بی‌تا: ۴۳۲).

حفظ مصالح افراد

احکام شرعی تابع مصالح و مفاسد واقعی است و هیچ حکمی بدون مصلحت وضع نمی‌شود. مقاصد اصلی شریعت از وضع احکام دنیوی و اخروی رعایت مصلحت بندگان است (حلی، بی‌تا: ۵۴۳)؛ البته مصلحت‌ها همواره با یکدیگر، هماهنگ و همسو نیستند. گاهی منافع فردی با هم تعارض پیدا می‌کنند و گاه با مصالح عمومی برخورد دارند. این تزاخم در هر نظام حقوقی رخ می‌دهد که بر مبنای قاعده اهم و مهم، میان آنها گزینش می‌شود، تا از این طریق بتوان میان آزادی‌های فردی از یک سو، و نظم عمومی و مصالح جامعه از سوی دیگر، توازن و هماهنگی برقرار کرد.

حیات انسان در بُعد مادی و معنوی آن، جز در سایه حفظ و نگهداری از این مصالح امکان‌پذیر نیست و همه قوانین اسلامی برای حمایت از این مصلحت‌ها تشریح شده است. انواع مختلف تجاوز و تعدی نسبت به این مصالح، انواع مختلف جرم را پدید می‌آورد (فیض، ۱۳۹۰: ۷۷). جرم‌انگاری ازدواج اجباری به دلیل تضاد با مصلحت افراد امکان‌پذیر خواهد بود زیرا زیانبار بودن آن برای منافع عمومی یا نظم عمومی به اثبات رسیده است. ضرورت‌های اجتماعی یگانه عامل تشریح این نوع تشریح است، حمایت از جامعه و مصالح همگانی، به احکام انعطاف‌پذیری نیازمند است که با هر مکان و حالت و زمان و هر لحظه مناسب باشد و ریشه جرائمی را که بر خلاف نظم عمومی و مصلحت افراد است را بخشکاند (عوده، ۱۴۱۵: ۱۵۴).

اسلام تعدی به مصالح معتبر انسانی را جرم می‌داند و جرم‌انگاری را در این راستا سامان داده است. این ارزش‌های انسانی و مصالح فرد و جامعه عبارتند از: صیانت از سلامت و جان افراد، مصونیت آبرو و حیثیت افراد، دفاع از نسل و ناموس، سلامت و آسایش عقل و روان، حمایت از اموال عمومی، دفاع از مالکیت خصوصی، تأمین آسایش مردم، حفظ امنیت جامعه، دفاع از آرمان‌ها و نظام ارزشی جامعه.

برقراری نظم اجتماعی

ضرورت نظم اجتماعی و اهمیت آن بر کسی پوشیده نیست. دین اسلام بر حفظ نظام اجتماعی تأکید دارد و دفع هرج و مرج از جوامع بشری را یک ضرورت می‌شمارد. آیه زیر بر این واقعیت تأکید دارد: «...وَلَوْ لَأَنَّ دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ» (بقره، آیه: ۲۵۱). از آن جایی که ازدواج اجباری، نوعی نقض نظام اجتماعی محسوب می‌شود، با ضوابط فرهنگی و ارزش‌های حاکم بر جامعه مغایرت دارد و احساسات عمومی را جریحه دار می‌کند. لذا جرم‌انگاری و اجرای مجازات، باعث تنظیم روابط میان افراد و برقراری نظم و امنیت و آسایش روح و روان در جامعه می‌شود.

اجرای عدالت کیفری

عدالت از اصولی است که در نظام‌های حقوقی، مورد توجه بوده و هست. از آنجا که بزهکار با ارتکاب جرم، هنجارها را زیر پا گذاشته و نظم اخلاقی جامعه را آشفته کرده است، پس عدالت اقتضا می‌کند مجرم، تاوان رفتار خود را بدهد و به مجازات برسد.

عدالت از مهمترین جهات جرم‌انگاری و تشریح کیفر در اسلام است. این کارکرد کیفر از دیرباز مورد توجه مکاتب حقوقی بوده و هست که با عنوان سزادهی و مکافات عمل، دنبال می‌شود. لذا با جرم‌انگاری ازدواج اجباری و اجرات مجازات، مردم تساوی در برابر رعایت حقوق شهروندی را بهتر درک می‌کنند و ضمن احساس امنیت در جامعه، به نظام حقوقی و حاکمیت آن بیشتر اعتماد کرده و از آن حمایت می‌کنند و افراد بزه‌دیده با اجرای مجازات، مزه عدالت را می‌چشند و آرامش روحی خود را باز می‌یابند و تشفی خاطر پیدا می‌کنند.

پیشگیری از جرم

یکی دیگر از ملاک‌ها و مبانی جرم‌انگاری و تشریح کیفر، پیشگیری از وقوع جرم است. جرم‌انگاری برخی رفتارها باعث می‌شود تا افراد جامعه از ارتکاب آنها دوری کنند همان گونه که ذکر شد، ازدواج اجباری مستلزم مفاسد و معایبی است که زمینه ارتکاب جرائمی همچون خودکشی و همسرکشی و ... را فراهم می‌آورد لذا جرم‌انگاری آن نقش بازدارندگی دارد که از مبانی فقهی تشریح کیفر نیز قلمداد می‌شود.

۴. مصادیق ازدواج اجباری در ایران و عراق

در ایران همانند سایر کشورها، آمار دقیقی از ازدواج اجباری وجود ندارد. دلایل مذکور درباره عدم گزارش دهی ازدواج اجباری، در مورد ایران نیز صدق می‌کند. حتی می‌توان گفت که بی رغبتی به گزارش دهی ازدواج اجباری در ایران در مقایسه با سایر نظام‌ها بیشتر است؛ زیرا با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در بسیاری از موارد، زنانی که مجبور به ازدواج می‌شوند، از لحاظ اقتصادی به شدت وابسته به خانواده هستند و در صورت تیرگی روابط آنها با خانواده‌هایشان، زندگی ایشان به شدت تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. علاوه بر این، به دلیل عدم جرم‌انگاری ازدواج اجباری، سازمان‌های حمایتی نیز عملاً مجوز قانونی برای مداخله در این موارد ندارند. سکوت قوانین کیفری موجب شده که حتی در گزارش‌های علمی در خصوص شیوع خشونت خانگی نیز به فراوانی ازدواج اجباری توجه نشود. این در حالی است که در این گزارشها در بیان خشونت خانگی روانی، کنترل رفتار و تعیین آنچه زن می‌تواند یا نمی‌تواند انجام دهد نیز از مصادیق این نوع خشونت دانسته شده است. (وامقی، ۱۳۹۰: ۳۰۸) با توجه به

این تعریف، ازدواج اجباری را نیز می‌توان مصداقی از خشونت خانگی دانست. به رغم فقدان آمار رسمی، در آداب محلی برخی مناطق، ازدواج‌هایی صورت می‌گیرد که رضایت طرفین به ویژه زنان مخدوش بوده و طرفین آزادانه شریک زندگی را انتخاب نمی‌کنند: برای نمونه در آیین «خون صلح» معمولاً دختری از اقوام قاتل به ازدواج فردی از بستگان مقتول در می‌آید که می‌تواند عوض خوت بها یا قسمتی از آن باشد. (رضوی فرد و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳۱). همین رسم با عنوان «خون بس» در میان قوم بختیاری نیز رایج است. (کوشکی و حسین وند، ۱۳۹۶: ۷۰۰).

در میان قوم لر نیز سنت ازدواج دختران خویشاوند قاتل با یکی از مردان خانواده مقتول وجود دارد. در این سنت که به «خی صل» مشهور است، دختری که عموماً خواهر زاده، برادر زاده، خواهر و یا دختر قاتل است به عقد مردی از خانواده مقتول در می‌آید. در برخی طوایف، دختر مورد نظر توسط خانواده قاتل و در برخی توسط خانواده مقتول انتخاب می‌شود. گاهی نیز دختر کوچکی را که هنوز بالغ نشده است برای یکی از پسرهای کوچک در نظر می‌گیرند که این عمل را «ناف بریدن» می‌نامند. در این موارد، خانواده مقتول رفتاری شایسته با زن ندارند و باید هرکاری را که به آنها ارجاع داده می‌شود، بدون اعتراض انجام دهند. در بسیاری از موارد، زنان حتی پس از ساله‌ای متوالی از ازدواج، نسبت به آن ناراضی هستند. و با وجود افزایش آگاهی‌های عمومی و انتقادهای حقوق بشری، همچنان از ازدواج برای ایجاد صلح در قتل و تجاوز استفاده می‌شود. (ارجمندی و نوروزی، ۱۳۸۹: ۳۷).

سنت الزام دخترعمو به ازدواج با پسر عمو که به «نهبه» مشهور است، گونه دیگری از ازدواج اجباری است. در این سنت چنانچه زن رضایت ندهد، برای همیشه حق ازدواج ندارد و گاهی نیز توسط والدین یا برادرش در منزل حبس می‌شود. در «آئین فصل» که در میان قوم عرب و در خصوص جرائم مستوجب قصاص، دیه و حتی حد اجرا می‌شود، نیز به منظور ایجاد سازش، خانواده مجرم زن یا زنانی را در اختیار طایفه بزه دیده قرار می‌دهد و حق آزادی زنان در انتخاب همسر، فدای سازش بین دو خانواده می‌شود. (عطاشنه و ایرانی، ۱۳۹۶: ۹۶۰). علاوه بر این، برخلاف بسیاری از نظام‌ها، حداقل سن ازدواج کم بوده و براساس ماده ۱۲۴۱ قانون مدنی، حتی ازدواج دختران

کمتر از ۱۹ سال و پسران کمتر از ۱۵ نیز منوط به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح، مجاز است. این درحالی است که دولت ایران با قبول و تصویب کنوانسیون تکمیلی «الغای بردگی، تجارت برده، و نهادها و اعمال مشابه برده داری» (۱۹۶۵) که در آن بر ممنوعیت هر نوع نهاد یا اقدامی تاکید می‌شود که به واسطه آن کودک یا نوجوان زیر ۱۸ سال به وسیله یک یا هر دو والدین یا قیم خود، چه در برابر پاداش چه بدون آن، و به منظور بهره‌کشی یا کار، مجبور به ازدواج می‌شود، پذیرفته است که: الف) کنوانسیون را به عنوان بخشی از قوانین داخلی خود به رسمیت بشناسد و عمل به مندرجات آن را الزامی کند، ب) قوانین جاری خود را مطابق این پیمان اصلاح نماید، و ج) حداقل سن مناسب را برای ازدواج تعیین نماید (اسلامی و میریان، ۱۳۹۴: ۱۷).

۵. رویکردهای دوگانه در وصف ازدواج اجباری

در تعیین وصف و برجسب‌زنی ازدواج اجباری دو رویکرد کلی وجود دارد: اول رویکرد انطباقی که ازدواج اجباری را نه مفهوم و عنوان مستقل، بلکه انطباق‌پذیر با به بردگی جنسی گرفتن یا تعقیب و آزار به عنوان یکی از رفتارهای سازنده جنایت علیه بشریت می‌داند که به صراحت در اساسنامه رم بدان اشاره شده است. دوم، رویکرد استقلالی که ازدواج اجباری را مفهومی مستقل و مجزا از عناوین مصرح در ماده ۷ قلمداد می‌کند و هیچ‌یک از این عناوین را به نحو منصفانه‌ای مناسب برای وصف این پدیده نمی‌داند و بدین جهت استقلال در جرم‌پنداری و جرم‌انگاری آن را مرجح و موجه برمی‌شمارد. براساس رویکرد اخیر باید با استفاده از عنوان کلی «سایر رفتارهای غیرانسانی» موضوع بند K ماده ۷ اساسنامه رم، پدیده ازدواج اجباری تحت تعقیب قرار داد. در ادامه با نشان دادن تمایز ازدواج اجباری از عناوین مشابه به ارزیابی این دو رویکرد پرداخته می‌شود.

الف- متمایز از به بردگی جنسی گرفتن

چنان که بیان شد، برخی دادرسان محاکم کیفری بین‌المللی، ازدواج اجباری را مصداقی از جنایت به بردگی جنسی گرفتن می‌دانند. بنابر قانون عناصر جرائم دیوان، به بردگی جنسی گرفتن عبارت است از اعمال تمام یا همه اختیارات ناشی از حق بر مالکیت در

مورد فرد انسانی که به واسطه آن موجب درگیر شدن فرد قربانی در فعالیت-هایی با ماهیت جنسی شود. رفتارهای سازنده به بردگی گرفتن می‌تواند شامل خرید و فروش و اجاره قربانیان شود که نتیجه همه آنها محرومیت از آزادی است (Quek, 2013: 65) به تعبیر دادرسان دیوان، مفهوم «بردگی» در اینجا به معنای ناممکن بودن تغییر شرایط تحمیلی از سوی قربانی است.

هرچند ازدواج اجباری و به بردگی جنسی گرفتن دارای وجوه مشترکی‌اند، پدیده ازدواج اجباری دارای شاخصه‌هایی است که آن را از به بردگی جنسی گرفتن متمایز می‌کند. مهم‌ترین تفاوت، اعم بودن آن نسبت ب به امر صرفاً جنسی است. به بردگی جنسی گرفتن، رفتاری با ماهیت جنسی است که وصف «جنسی بودن» در آن غالب و وجه فارق از رفتارهای مشابه است، اما ازدواج اجباری از رفتاری صرفاً جنسی فراتر می‌رود و در کنار ابعاد جنسی‌ای که دارد، دارای وجود اجتماعی و خانوادگی نیز می‌باشد. به بیان دیگر، ازدواج اجباری جرم پندلایه است که فراتر از جرائم سازنده خود می‌باشد.

بنابراین ازدواج اجباری صرفاً امر جنسی نیست. قربانی ازدواج اجباری، قربانی خشونت جنسی نیز هست؛ برای نمونه، زنان و دختران ربوده شده به دست ارتش مقاومت لرد که به عنوان همسر در اختیار نیروهای نظامی این گروه قرار می‌گرفتند، مجبور به تحمل روابط جنسی نیز بودند. با این حال، ازدواج اجباری تنها متضمن تحمیل رابطه جنسی مستمر و بدون رضایت نیست و هدف از آن، تنها تأمین نیازهای جنسی نیست، بلکه به علاوه، قربانی ازدواج اجباری متحمل الزامات و اجبارات پرشمار و پردامنه دیگر مانند وظایف خانگی و کارهای روزانه خانه و تحمل برخی سنت‌های فرهنگی مرتبط مانند عروس شدن و مراسم عروسی اجباری و مانند آن می‌شود؛ تحمیل‌هایی که برده جنسی، آن‌ها را تجربه نمی‌کند. این نگاه و رویکرد البته در تضاد با بینش آن دسته از قضات دادگاه ویژه سیرالئون است که استدلال می‌کردند عنصر جنسی، ذاتی ازدواج اجباری است و بر سایر عناصر و مؤلفه‌های سازنده این پدیده غلبه دارد؛ غلبه و رجحانی که البته محل تردید جدی است (Wilson, 2007: 49). شعبه تجدیدنظر دادگاه ویژه سیرالئون نیز آسیب‌های دیگری برای ازدواج اجباری شناسایی کرده است. این آسیب‌ها عبارت‌اند از:

کار خانگی اجباری مانند آشپزی، فرزندآوری اجباری و امور مرتبط با آن مانند تربیت کودکان و نگهداری از آنها که همگی با ضمانت اجرای تنبیه و مجازات در صورت استنکاف از انجام دادن همراه است.

ب- ازدواج اجباری به مثابه سایر رفتارهای غیرانسانی

بنابر مطالب مذکور، وصف‌گذاری منصفانه ازدواج اجباری، مقتضی عدم زدن برچسب «به بردگی جنسی گرفتن» و تعقیب و آزار به این رفتار است، بلکه مقتضی قلمداد کردن آن به مثابه جرم مستقل است. عنوان «ازدواج اجباری» از متن اساسنامه رم غایب است، اما این سکوت و غیبت، مانعی در مسیر استقلال‌انگاری تجریم و تعقیب این رفتار نیست. بند K ماده ۷ اساسنامه رم دربردارنده عنوان مجرمانه کلی دیگر «رفتارهای غیرانسانی» است. این رفتار، ناظر به جنایتی است که مرتکب، یا رنج‌شدیدی تحمیل می‌کند و یا آسیب جدی به تن یا سلامت فیزیکی و جسمانی غیرنظامیان می‌زند و چنین رفتاری، باید ویژگی مشابه سایر رفتارهای سازنده جنایات علیه بشریت موضوع ماده ۷ اساسنامه داشته باشد.

آن گونه که شارحان اساسنامه رم تعبیر کرده‌اند، بند K «طبقه ته مانده» جنایات علیه بشریت است این بدان معناست که تنها رفتاری منطبق با عنوان کلی مندرج در بند K است. که ماهیتاً متفاوت از دیگر رفتارهای جرم‌انگاری شده در اساسنامه رم باشد. این تفاوت باید هم در ماهیت باشد، هم در ارتباط با آسیب‌ها و رنج‌های تحمل‌شده و نیز ارزش‌ها و منافع مرتبط با آن البته این تفاوت، تفکیک مطلق و به معنای نفی هر گونه تشابه و مناسبت نیست. خصوصاً آن که قانون «عناصر جرائم دیوانم آشکار می‌کند رفتار غیرانسانی موضوع بند K باید با دیگر رفتارهای موضوع ماده ۷ نیز قیاس‌شدنی باشد. مراد از قیاس‌شدنی، وجود مناسبت و تشابه در ماهیت و شدت رفتار است (Millbank, 2010: 76). از همین منظر، نویسندگان اساسنامه رم، عنوان «سایر رفتارهای غیرانسانی» را به مثابه چتر طراحی کردند تا بتواند فهرست باز و نا محصور از رفتارهایی را پوشش دهد که می‌توانند در پرتو آثار منفی و آسیب‌های‌شان به آستانه جنایت علیه بشریت رسند. در واقع بند K برخلاف سایر رفتارها، عنوان مجرمانه کلی‌ای با مصادیق متعدد است که معیار شناسایی این مصادیق غیرحصری نتایج مجرمانه مترتب بر رفتار

است. البته این غیرحصریب ودن با اصل قانونی بودن جرم منافاتی ندارد، خصوصاً آن که حکم سایر رفتارهای غیرانسانی از زمان دادگاه نظامی نورنبرگ پذیرفته شده است. (امیری، ۱۳۸۹: ۲۸۳). رویه قضائی بین‌المللی، نمونه‌های پرشماری از سایر رفتارهای غیرانسانی را تا امروز مشخص کرده است که از جمله می‌توان به کتک زدن شدید یا اجبار به شاهد قتل دیگران بودن اشاره کرد. همچنین تحریم‌های اقتصادی در زمان صلح نیز از منظر برخی در صورت آسیب زدن به غیرنظامیان می‌تواند به عنوان رفتار غیرانسانی سازنده جنایت علیه بشریت تلقی شود. ازدواج اجباری نیز از رفتارهایی است که محاکم کیفری بین‌المللی آن را مصداقی از رفتارهای غیرانسانی سازنده جنایت علیه بشریت دانسته‌اند.

۶. دیدگاه قانونگذار ایران و عراق در مورد ازدواج اجباری

از آنجا که بنای عقد ازدواج بر محور شخصیت طرفین است، شخصیت طرفین عقد باید روشن و بدون هر گونه ابهام باشد. به عبارت دیگر زن باید دقیقاً بداند که با چه کسی عهد زندگی بسته است و شوهر نیز باید با همان همسری پیمان ببندد که او را به درستی بر گزیده است. ماده ۱۰۶۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «تعیین زن و شوهر بنحوی که برای هیچیک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد، شرط صحت نکاح است». تعیین زن و شوهر ممکن است با دیدن و اشاره صریح یا با تعیین نام و مشخصات دقیق صورت گیرد. ولی در هر صورت هر کس باید با همان فردی پیمان زناشویی ببندد که او را منحصرأ بر گزیده است (Cruvellier, 2009: 134).

با توجه به این که عقد ازدواج مبتنی بر شخصیت طرفین عقد است اشتباه در شخصیت هر یک از زن یا شوهر سبب بطلان عقد است این اشتباه ممکن است به یکی از صورت‌های زیر باشد:

الف- اشتباه در شخصیت مادی: یعنی آن کسی که طرف عقد واقع شده، مقصود همسر نبوده است. در این شرایط عقد باطل است.

ب- اشتباه در شخصیت مدنی و حقوقی طرف عقد: مانند این که فردی مدارک تحصیلی یکی از اندیشمندان و مشاهیر ایران را برآید و به دلیل شباهت ظاهری، خود را به شکل و شمایل او در آورد به گونه‌ای که سبب اشتباه گردد و سپس با مدارکی جعلی به

خواستگاری دختری فرهیخته رود و دختر به خیال این که با فردی مشخص ازدواج می‌کند عاشقانه به عقد او درآید در این شرایط دختر با همان کسی که ظاهراً دیده است ازدواج کرده ولی نسبت به هویت مدنی و حقوقی او در اشتباه بوده است که سبب بطلان عقد است.

ج- اشتباه در اوصاف: مثلاً ممکن است دختری به تصور این که فردی مهندس است با او ازدواج کند ولی پس از عقد متوجه اشتباه و تصور نادرست خود بشود. این گونه اشتباهات هیچ تاثیری در عقد ندارد ولی اگر مرد مهندس معرفی کرده باشد و زن با اشتباه در تشخیص اوصاف وی با او ازدواج کند این اشتباه سبب بطلان عقد نمی‌شود و صرفاً برای زن اختیار فسخ نکاح را ایجاد می‌کند.

عقد نکاح منجز است. یعنی عقد ازدواج باید قطعی بوده و معلق به هیچ شرطی نباشد مثلاً اگر فردی بگوید من تو را به عقد خود در آوردم و طرف مقابل هم به شرط خرید ویلا در شمال قبول نماید در چنین شرایطی هم شرط و هم عقد باطل است. ماده ۱۰۶۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «تعلیق در عقد موجب بطلان است». علاوه بر این از دیدگاه قانون مدنی ایران شرط خیار فسخ نسبت به عقد نکاح باطل است ولی در نکاح دائم شرط خیار نسبت به مهر جایز است مشروط بر این که مدت آن معین باشد و بعد از فسخ مثل آن است که اصلاً مهر ذکر نشده است.

سن قانونی ازدواج در عراق برای هر دو جنس دختر و پسر ۱۸ سال است؛ اما دختران می‌توانند مجوز ازدواج خود را در سن ۱۵ سالگی از دادگاه صالحه بگیرند. هرچند برخی فعالان مذهبی در عراق تلاش می‌کنند سن قانونی ازدواج در این کشور را پایین بیاورند. در این رابطه پیشنهاد گروهی از محافل برای پایین آوردن سن قانونی ازدواج برای دختران تا ۹ سال در مجلس عراق رد شد. به گفته دولت عراق، در سال ۱۹۹۷، ۱۵ درصد از ازدواج‌ها شامل زنان زیر ۱۸ سال بود. این تعداد در سال ۲۰۱۲ به بیش از ۲۰ درصد افزایش یافت و تقریباً ۵ درصد از آنها پیش از سن ۱۵ سالگی ازدواج کرده بودند. با توجه به بی‌ثباتی سیاسی در این کشور، تلاش‌های جامعه مدنی برای پایان دادن به ازدواج کودکان در سطح جامعه بسیار کم اثر است، چرا که به واسطه سلطه گروه‌های تروریستی در برخی مناطق، خانواده‌ها با بحران روبرو شده‌اند دختران و ازدواج در سنین

بسیار پایین مواجه هستند؛ اگرچه برخی سازمان‌های فعال مانند یونیسف در مناطق تحت کنترل کردستان عراق و اردوگاه‌های پناهندگان همچنان به آموزش خود ادامه می‌دهند.

۷. ضرورت جرم انگاری ازدواج اجباری در ایران و عراق

تأمل در قوانین کیفری نشان می‌دهد که سیاست اصلی مقنن در برخورد با ازدواج‌های اجباری عموماً به تدابیر حقوقی محدود شده است. چنان که براساس ماده ۱۰۷۰ قانون مدنی، رضای زوجین شرط نفوذ عقد است و هرگاه مکره بعد از روال کره، عقد را اجازه کند، نافذ است مگر آن که اکراه به درجه‌ای بوده که عاقد فاقد قصد باشد. هر چند برخی فقهای معاصر معتقدند که ازدواج اجباری «باطل است و آثار عقد صحیح را ندارد، فلذا زن می‌تواند بدون طلاق و با رعایت عده با شخص دیگری ازدواج کند و فرزندی که از چنین ازدواجی به دنیا می‌آید، نا مشروع است و از پدر و مادر خویش ارث نمی‌برد و آن‌ها هم از او ارث نمی‌برند».

با وجود این، تأمل در قوانین کیفری نشان می‌دهد که قانون‌گذار گاهی به استفاده از ابزارهای کیفری نیز توجه داشته است؛ برای مثال براساس بند «ب» ماده ۲۰۹ قانون مجازات عمومی (۱۳۰۴)، ربودن زن برای ازدواج اجباری با وی جرم بود. هر چند در قانون تعزیرات، مشابه این ماده پیش بینی نشده، با توجه به اطلاق ماده ۶۲۱ قانون تعزیرات، ربودن افراد برای ازدواج اجباری نیز مشمول این ماده قرار می‌گیرد؛ زیرا در این ماده از ربودن دیگری به هر منظور صرف نظر از انگیزه مرتکب صحبت به میان آمده است. علاوه بر این، در ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان (۱۳۸۳) نیز به ازدواج اجباری اشاره شده است. براساس این ماده، انجام افعال مادی مذکور در ماده چنانچه با اجبار و اکراه و یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا سوء استفاده از قدرت یا موقعیت مرتکب یا سوء استفاده از وضعیت بزه دیده و به قصد ازدواج صورت گیرد، مسمول عنوان قاچاق است.

برخی معتقدند که: «ظاهراً قانون‌گذار فریب در ازدواج را که در حالت عادی مشمول ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی بوده و مرتکب آن به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌شود، مشمول تعریف قاچاق نموده است.... ماده ۶۴۷ صرف در خصوص فریب در ازدواج اجرا می‌شود، ولی در قانون مبارزه با قاچاق انسان، اجبار و اکراه و سوء استفاده

از موقعیت خود یا قربانی نیز از موارد رایج است که مورد توجه قانون گذار واقع شده است» (سلیمی، ۱۳۸۶: ۲۷۰). با این حال، با توجه به فلسفه و شرایط تصویب قانون، مقابله با افرادی که تلاش می‌کنند از طریق خروج زنان از کشور، آنان را به ازدواج با اتباع خارجی مجبور سازند، مدنظر مقنن بوده است. از این رو دامنه این ماده محدود بوده و ناظر بر قاچاق انسان است که با هدف ازدواج اجباری ارتکاب یافته است. از این رو مداخله مقنن و جرم انگاری ازدواج‌های اجباری که در داخل ایران ارتکاب می‌یابد، در قالب عنوان تعزیر ضروری است.

از جانب دیگر، تجدیدنظر در سیاست ازدواج اطفال و افراد در سنین پایین نیز که نوعی ازدواج اجباری است، ضروری می‌باشد. چنان که ماده ۵۰ قانون حمایت از خانواده، تنها از دخترانی که برخلاف ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی تزویج می‌شوند، حمایت کرده و چتر حمایتی خود را به مردان گسترش نداده است. این درحالی است که در زمان حاکمیت ماده ۳ قانون راجع به ازدواج (۱۳۱۰)، حمایت کیفری به مردان نیز گسترش یافته بود. در این دوره، رویه قضایی نیز با توجه به اطلاق ماده ۳ قانون فوق‌الذکر، ارتکاب جرم توسط زنان را پذیرفته بود. چنان که در یکی از آرای شعبه ۲ دیوان عالی کشور آمده است: «عموم و اطلاق ماده ۳ قانون ازدواج که می‌گوید هر کس برخلاف ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی با کسی که هنوز به سن قانونی نرسیده است، مزاجت نماید، با ملاحظه ماده مذکور از قانون مدنی که در آن سن پسر و دختر هر دو معین شده، شامل موردی که فقط شوهر به سن قانونی نرسیده باشد، خواهد بود و تخصیص حکم ماده مزبور تنها به موردی که سن زن به حد قانونی نباشد، محتاج به دلیل است که چنین دلیلی وجود ندارد» (ذاکری، ۱۳۹۶: ۷). عراق یک کشور آسیای غربی با فرهنگ‌ها و سنت‌های منحصر به فرد در رابطه با ازدواج است. میانگین ازدواج در عراق در سال ۳۹۰۰۰ است. هر دو ازدواج مذهبی و مدنی در این کشور برگزار می‌شود. با این حال، تنها ازدواج‌های مدنی از نظر قانونی الزام آور است و توسط قوانین کشور به رسمیت شناخته شده است. اغلب اوقات، زوج‌ها با استفاده از هر دو روش ازدواج خود را جشن می‌گیرند. ازدواج‌های مذهبی اغلب در کنار مراسم سنتی ازدواج برگزار می‌شود. آن‌ها در یک روز و یکی پس از دیگری برگزار می‌شوند که اولین مراسم ازدواج مذهبی استامعه عراق

عمدتاً مردسالار است و جایی برای برابری حقوق بین همسران نمی‌دهد. حقوق زنان اغلب زیر پا گذاشته می‌شود و آنها به سختی در ازدواج خود حرفی برای گفتن دارند. در حالی که مرد حق دارد با غیر مسلمان ازدواج کند، زن از این کار منع می‌شود. در زمان‌های اخیر هر دو زوج در شرایط خاصی حق طلاق را به دست آورده‌اند، بر خلاف سابق که مرد تنها حق فسخ ازدواج را به دلخواه خود داشت. مرد حق دارد در تمام جهات از همسر خود تقاضای اطاعت کند. زنان حق دارند موارد خشونت خانگی و آزار را گزارش کنند، اما اکثریت آنها این حق را ندارند، زیرا طبق قانون، تجاوز جنسی به همسر جرم نیست و اغلب در جریان دادرسی به آنها بی‌احترامی می‌شود. برای اجتناب از این امر، بسیاری از زنان از این حق چشم‌پوشی می‌کنند و مصالحه را ترجیح می‌دهند (حامد، ۲۰۱۷: ۶۸). مرد حق دارد زن را از بیرون رفتن باز دارد. او باید قبل از انجام هر کاری اجتماعی که او را از خانه بیرون می‌کند، از شوهرش اجازه بگیرد. زنان حق کار ندارند، زیرا شوهرانشان از کار منع می‌کنند. با این حال، کسانی که فرصت کار پیدا می‌کنند باید تابع باشند و تهدیدی در محل کار خود نباشند، که گزینه جاه‌طلبی یا رقابت را رد می‌کند. اگر زنی بتواند در دادگاه فراتر از هر شک و شبهه معقولی در پرونده طلاق، حق حضانت فرزندان و حق برخورداری از برخی حقوق مالی را به او اعطا کند. اما اگر تقصیری متوجه او شود، تمام حقوق مالی را از دست می‌دهد و مورد انگ جامعه قرار می‌گیرد (شخیت دلفی و همکاران، ۱۴۰۳: ۶۹۳).

۸. ضمانت اجرای ازدواج اجباری در ایران و عراق

نگاهی به قوانین نشان می‌دهد که سیاست اصلی مقنن در برخورد با ازدواج‌های اجباری عموماً به تدابیر حقوقی محدود شده است. چنان که بر اساس ماده ۱۰۷۰ قانون مدنی، رضای زوجین شرط نفوذ عقد است و هر گاه مکره بعد از زوال کره، عقد را اجازه کند، نافذ است مگر اینکه اکراه به درجه‌ای بوده که عاقد فاقد قصد باشد. هر چند برخی فقهای معاصر معتقدند که ازدواج اجباری «باطل است و آثار عقد صحیح را ندارد، فلذا زن می‌تواند بدون طلاق و با رعایت عده با شخص دیگری ازدواج کند و فرزندی که از چنین ازدواجی به دنیا می‌آید نامشروع است و از پدر مادر خویش ارث نمی‌برد و آنها هم از او ارث نمی‌برند». رویکرد معمول

قوانین ایران در مقابله با ازدواج اجباری "بر پایه جلوگیری از این پدیده از گذر ضمانت اجراهای مدنی می‌باشد که در آن فقدان رضایت طرفین در ازدواج بر حسب ماده ۱۰۷۰ ق.م. باعث بطلان عقد خواهد شد مگر آنکه، اکراه به درجه‌ای باشد که باعث عدم نفوذ فقدان قصد طرفین شود که این امر نیز بر حسب ماده ۱۹۰ باعث بطلان عقد خواهد شد بدینگونه اگر برای دادگاه احراز شود که در ازدواج، اکراه صورت گرفته است، ازدواج باطل است مگر اینکه فردی که با اکراه ازدواج کرده است پس از آن، عقد را تنفیذ و تأیید کند (کاتوزیان، ۱۴۰۲: ۷۵) در این خصوص باید اضافه نمود که اکراه مادی (مانند حالت شکنجه و یا خواب مصنوعی) باعث بطلان عقد می‌شود (بیات و بیات، ۱۳۹۸: ۶۵۴). بر این اساس، طبق قانون مدنی حسب مورد عدم نفوذ عقد نکاح یا بطلان آن از ضمانت اجراهای فقدان عنصر رضایت در ازدواج محسوب می‌شود. اگرچه مواردی در قوانین کیفری ایران یافت می‌شود که ازدواج‌های اجباری در صورت تطبیق با عناوین مجرمانه مذکور در موادی از قوانین کیفری جرم انگاری شده است.

با وجود این، تأمل در قوانین کیفری نشان می‌دهد که قانون‌گذار گاهی به استفاده از ابزارهای کیفری نیز توجه داشته است؛ برای نمونه، بر اساس بند «ب» ماده ۲۰۹ قانون مجازات عمومی (۱۳۰۴)، ربودن زن برای ازدواج اجباری با وی جرم بود. هرچند در قانون تعزیرات، مشابه این ماده پیش‌بینی نشده، با توجه به اطلاق ماده ۶۲۱ قانون تعزیرات، ربودن افراد برای ازدواج اجباری نیز مشمول این ماده قرار می‌گیرد؛ زیرا در این ماده از ربودن دیگری به هر منظور صرف نظر از انگیزه مرتکب صحبت به میان آمده است. علاوه بر این، در ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان (۱۳۸۳) نیز به ازدواج اجباری اشاره شده است. بر اساس این ماده، انجام افعال مادی مذکور در ماده چنانچه با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت مرتکب یا سوءاستفاده از وضعیت بزه دیده و به قصد ازدواج صورت گیرد، مشمول عنوان قاچاق انسان است.

ماده ۵۰ قانون حمایت از خانواده، تنها از دخترانی که برخلاف ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی تزویج می‌شوند، حمایت کرده و چتر حمایتی خود را به مردان گسترش نداده است. این در حالی است که در زمان حاکمیت ماده ۳ قانون راجع به ازدواج (۱۳۱۰)،

حمایت کیفری به مردان نیز گسترش یافته بود. در این دوره، رویه قضایی نیز با توجه به اطلاق ماده ۳ قانون فوق‌الذکر، ارتکاب جرم توسط زنان را پذیرفته بود. چنان که در یکی از آرای شعبه ۲ دیوان عالی کشور آمده است:

«عموم و اطلاق ماده ۳ قانون ازدواج که مقرر می‌دارد هر کس بر خلاف ماده ۱۰۴۱ ق.م. با کسی که هنوز به سن قانونی نرسیده است مزاجت نماید، با ملاحظه ماده مزبور از قانون مدنی که در آن سن پسر و دختر هر دو معین شده، شامل موردی هم که فقط شوهر به سن قانونی نرسیده باشد، خواهد بود و تخصیص حکم ماده مزبور تنها به موردی که سن زن به حد قانونی نباشد، محتاج به دلیل است که چنین دلیلی وجود ندارد».

بنابراین، قوانین فعلی ایران بیشتر از ضمانت اجراهای حقوقی مانند عدم نفوذ یا بطلان ازدواج استفاده کرده است و در موارد نادری در صورت تطبیق عمل طرفین با عناوین و رکن قانونی برخی جرائم مانند قاچاق انسان یا آدم ربایی و... از گذر ضمانت اجرای کیفری به مقابله با ازدواج اجباری پرداخته است ولیکن با توجه به گستردگی مصادیق و انواع ازدواج‌های اجباری شایسته است که در قوانین داخلی ایران نیز به تعریف و جرم انگاری این نوع ازدواج‌ها در قالب جرم تعزیری پرداخته شود

در نظام حقوق کیفری عراق ازدواج اجباری از مصادیق خشونت خانگی می‌باشد. با این توضیح که در لایحه مبارزه با خشونت خانگی در منطقه کردستان به مواردی از مصادیق خشونت خانگی اشاره شده است که عبارتند از خشونت جنسی، جسمی، روانی، ازدواج اجباری، طلاق اجباری و... لکن در برخی قوانین به جرایمی که در خانواده تأثیر می‌گذارند همچون زنا، عقد نکاح باطل،... مواد ۳۷۶ تا ۳۸۰ قانون مجازات عراق اشاره شده است. در ماده ۳۸۴ قانون مجازات عراق ترک انفاق مورد جرمانگاری قرار گرفته است. لایحه مبارزه با خشونت خانگی در منطقه کردستان عراق، در دو بخش ضمانت اجراهای قانونی جهت حفاظت خانواده در برابر خشونت خانگی و سازوکارهای شکلی شکایت در خصوص خشونت خانگی تدوین شده است. در قانون احوال شخصیه عراق مصوب ۱۹۵۹ نیز موادی به حمایت از خانواده اشاره دارد. به طور کلی در نظام حقوقی عراق نیز همچون ایران به صورت پراکنده به برخی از

مصادیق ازدواج اجباری اشاره شده است. قانونگذار عراقی ازدواج اجباری را در یک ماده تنظیم می‌کند که همان ماده نهم قانون احوال شخصیه است: ۱- هیچ بستگان یا غیر خویشاوندی حق ندارند مرد یا زن را بدون رضایت خود مجبور به ازدواج کنند. عقد نکاح در صورت عدم تحقق صیغه باطل است و هیچ خویشاوند یا شخص ثالثی حق ممانعت از ازدواج فردی که به موجب احکام این قانون واجد شرایط ازدواج است را ندارد. ۲- متخلف از مفاد بند (۱) این ماده به حبس از سه سال و جزای نقدی یا در صورتی که از بستگان درجه یک باشد به یکی از این دو مجازات محکوم می‌شود ولی در صورتی که متخلف نباشد. یکی از این موارد مجازات حبس از ده سال یا حبس از سه سال کمتر خواهد بود. ۳- دادگاه احوال شخصیه یا دادگاه امور شخصی موظف است مراتب را جهت اقدام قانونی با متخلف از مفاد بند (۱) این ماده به مراجع رسیدگی کننده اعلام کند و می‌تواند برای اطمینان از حضور در مراجع مذکور دستگیر شود. مورد اجبار یا ممانعت قرار گرفته است حق دارد مستقیماً در این زمینه به مراجع رسیدگی کننده رسیدگی کند (چون نکاح اجباری باطل شمرده می‌شود) اگر صیغه را قبول کرد ولی بعد از صیغه آن را نکاح صحیح بداند، در اینجا می‌بینیم که قانونگذار عراقی این موضوع را انجام نداده است. موافق نظر علمای امامیه که عقد اجباری را قبل و بعد از صیغه باطل می‌دانستند و حتی آن را شبیه زنا می‌دانستند. برخی از علمای مکتب امامیه، ارث را به فرزندان اجازه نمی‌دادند.

در پایان باید گفت ازدواج اجباری مصداق تضییع حقوق انسان‌هاست و نمونه‌ای از خشونت خانگی و جنسیتی محسوب می‌شود. بررسی متون حقوقی کشور ایران و عراق نشان می‌دهد که تدابیر گوناگونی برای مقابله با آن اتخاذ شده است. این سیر از ممنوعیت انگاری صرف عبور کرده و به سمت جرم انگاری و اتخاذ تدابیر بازدارنده کیفری پیش رفته است. هرچند غالب برنامه‌های مقابله با ازدواج اجباری، بر ممنوعیت انگاری و استفاده از تدابیر حقوقی متمرکز بوده است. لذا پیشنهاد می‌شود که در قانون مجازات اسلامی مقررهای در جهت جرم انگاری و ضمانت اجرای ازدواج اجباری تصویب شود و با فرادی که به هر نحوی فرد را مجبور به ازدواج اجباری می‌نمایند،

کیفری (اعم از بس یا جزای نقدی) تعیین شود تا حدودی مانع و بازدارنده این امر شنیع و ناپسند در جامعه گردد.

۹. رویکرد اسناد بین المللی حقوق بشر و قوانین ملی نسبت به منع ازدواج اجباری
حق بر ازدواج با رضایت کامل و آزادانه از جمله حقوقی است که در بسیاری از اسناد حقوق بشری مورد توجه قرار گرفته است. بدیهی است هر یک از اسناد فوق از منظر خاصی به این حق پرداخته و با رویکرد ویژه‌ای بدان نگرسته‌اند.

نخستین سندی که در سطح بین المللی به موضوع ازدواج و شرایط آن پرداخته، اعلامیه جهانی حقوق بشر است. بند ۲ ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ «رضایت کامل و آزادانه» هر یک از طرفین را برای ازدواج ضروری می‌داند. در پی آن بند ۳ ماده ۲۳

میثاق بین المللی حقوق مدنی- سیاسی مجدداً بر ضرورت این امر تأکید دارد. نخستین سندی که به طور خاص به موضوع ازدواج و شرایط آن پرداخته، کنوانسیون رضایت در ازدواج، حداقل سن ازدواج و ثبت آن است که به موجب قطعنامه ۱۷۶۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۷ نوامبر ۱۹۶۲ به تصویب رسید. این کنوانسیون پس از یادآوری ماده ۱۶ اعلامیه حقوق بشر در ماده یک خود چنین آورده است: «هر ازدواجی که بدون رضایت کامل و آزادانه هر یک از طرفین صورت گیرد، معتبر نبوده و باید غیرقانونی محسوب شود. این رضایت باید به شکلی کاملاً علنی و آشکار و در حضور مقام صلاحیتداری که قانون تعیین کرده است اعلام شود و از جانب این مقام مورد تصدیق و گواهی قرار گیرد». مفاهیم فوق سه سال بعد عیناً در توصیه نامه‌ای که با همین عنوان از سوی مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید، تکرار و مجدداً به کشورهای عضو توصیه گردید تا از به رسمیت شناختن ازدواج‌هایی که بدون رضایت کامل و آزادانه هر دو طرف صورت گرفته خودداری ورزند.^۲

^۱ ماده ۱۶ مقرر می‌دارد: (۱) زن و مرد بدون هیچ محدودیتی در خصوص نژاد ملیت و مذهب حق ازدواج و تشکیل خانواده را دارند؛ (۲) ازدواج تنها با رضایت کامل طرفین قانونی است (۳) خانواده واحد اجتماعی و اساسی جامعه است و باید توسط جامعه و دولت حمایت شود.

^۲ Recommendation on Consent to Marriage, Minimum Age for Marriage & Registration of Marriage, Resolution 2018 (XX), 1 Nov. 1965.

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان کنوانسیون دیگری است که با نگاه ویژه‌ای به مسأله ازدواج پرداخته است. این کنوانسیون در بند یک ماده ۱۶ از حق یکسان زنان و مردان در انتخاب آزادانه همسر سخن گفته و رضایت کامل و آزادانه هر یک از طرفین را شرط تحقق ازدواج دانسته است.^۱ در حقیقت، جامع‌ترین قاعده پیرامون ممنوعیت ازدواج اجباری را باید ماده ۱۶ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان دانست.^۲

آخرین سند جهانی قابل استناد در خصوص این موضوع، اعلامیه و برنامه عمل یکن است که در چهارمین کنفرانس جهانی زن که از سوی سازمان ملل در سپتامبر ۱۹۹۵ برگزار شده بود به تصویب رسید. این اعلامیه در قسمت «ه» بند ۲۷۴ خود از دولتها خواسته است تا نسبت به وضع و اجرای قوانینی در راستای شناسایی ازدواج، تنها با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد و تعیین حداقل سن قانونی مناسب برای این منظور، اقدام کنند.

اصل رضایت در ازدواج در اسناد منطقه‌ای حقوق بشر نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. به نظر می‌رسد در این میان، نظام اروپایی حقوق بشر، مقام بیشترین پیشرفت را به خود اختصاص داده است، چراکه علاوه بر موفقیت چشمگیر دیوان اروپایی حقوق بشر در این منطقه، از حیث ماهوی نیز شاهد تصویب اسنادی هستیم که به مراتب نسبت به همتایان بین‌المللی خود از دقت و ظرافت بیشتری برخوردارند.

توجه به این نکته ضروری است که قطعنامه ۱۴۶۸ مجمع عمومی پارلمانی شورای اروپایی مصوب سال ۲۰۰۵، تنها سند حقوق بشری است که به تعریف مقوله ازدواج اجباری همت گمارده و ازدواج اجباری را شامل کلیه ازدواج‌هایی دانسته که حداقل یکی از طرفین آنها فاقد رضایت کامل و آزادانه نسبت به ازدواج هستند.^۳

^۱ Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Womens, Res34/18Des 1978, Art. 16

^۲ براساس نظر کمیته کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ازدواج اجباری شکلی از خشونت علیه زنان، به ویژه خشونت مبتنی بر جنسیت است و توجیه‌کننده خشونت مبتنی بر جنسیت به عنوان بخشی از حمایت و کنترل زنان است کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان این خشونت متجر به محرومیت زنان از آزادیهای اساسی و عدم آگاهی آنها از حقوقشان می‌گردد و زنان را در نقشهای فرعی نگه می‌دارد. رک:

CEDAW Committee General Recommendation, 1981, No.19, p.11.

^۳ Resolution 1468, Forced Marriage, Child Marriage, Parliamentary Assembly of European Council, 2005, para. 13.

کنوانسیون دیگری که در سطح منطقه‌ای به این موضوع پرداخته است، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر است که در بند سوم ماده هفدهم خود صریحاً اعلام می‌کند «هیچ ازدواجی بدون رضایت طرفین آن منعقد نخواهد شد»^۱. در حقیقت، ویژگی مشترک تمام اسناد مذکور ضرورت وجود عنصر رضایت به عنوان شالوده و زیربنای ازدواج معتبر است. به عبارت دیگر، ویژگی اصلی ازدواج‌های اجباری، تحمیل وضعیت زناشویی بر یک طرف یا طرفین برخلاف رضایت قلبی آنان است و این رابطه در شرایطی شکل می‌گیرد که رضایت بر اثر تهدید و اجبار معیوب گردیده باشد.

۲۹۵

هرگاه طرفین، رضایت به رابطه نکاحی ندارند، اما این رضایت توسط خانواده‌ها بیان می‌گردد و ازدواج بر طبق عرف و تشریفات مذهبی موجود به رسمیت شناخته می‌شود، این قبیل ازدواج‌ها توسط کشورهای نظیر استرالیا، کانادا، آلمان، نروژ و انگلیس ازدواج‌های اجباری تلقی می‌گردند؛ به این معنا که در ازدواج معتبر، تصمیم نهایی بستگی به رضایت طرفین دارد.^۲

علی‌رغم این تفکیک، برخی از ازدواج‌های قانونی به گونه‌ای واقع می‌شوند که مشابه وضعیت‌های ناشی از ازدواج اجباری هستند؛ چرا که در ازدواج‌های قانونی نیز اراده طرفین ممکن است کاملاً تابع خواست خانواده‌های آنان در ترتیب دادن یک رابطه نکاحی قرار گیرد. فشار روانی شدید و تهدید به طرد از سوی خانواده، گاه می‌تواند موجب تحریک طرفین به تن دادن به ازدواج گردد.^۳ این گونه ازدواج‌ها مطمئناً بر خلاف اسناد بین‌المللی حقوق بشری هستند امروزه فقدان رضایت کامل و آزادانه از سوی طرفین در ایجاد رابطه ازدواج در قوانین بسیاری از کشورها از قبیل، اتریش، غنا، نروژ و صربستان تحت عنوان ازدواج اجباری جرم انگاری شده و در سایر کشورها از قبیل الجزایر، بلاروس، کلمبیا، فنلاند، اسرائیل، ایتالیا و مالدیو که فاقد مقرره خاصی پیرامون جرم انگاری ازدواج اجباری هستند، این عمل تحت عناوین مختلفی از قبیل قاچاق انسان، استثمارجنسی، ربودن، فحشا و تجاوز مورد رسیدگی کیفری قرار می‌گیرد.

^۱ American Convention on Human Rights, 1969, Art17.para 3.

^۲ UNdoc. A/HRC/4/23, Report of the Special Rapporture on the human Rights aspects of the victims of trafficking in persons, especially women and children, Sigma Huda, 24 Jan 2007, para 20.

^۳ Ibid, para. 26.

با این حال، علی‌رغم تأکید فراوان اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر بر ضرورت حمایت از افراد در مقابل ازدواج‌های اجباری هنوز در عمل شاهدیم که در بسیاری از مناطق آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و به طور کلی در غالب کشورهای در حال توسعه، عوامل گوناگونی نظیر فقر و بحران‌های اقتصادی، شیوع ناامنی‌های اجتماعی و سیاسی، جنگ‌ها و آشوب‌های داخلی و خارجی، مانع از تحقق رضایت کامل و آزادانه افراد نسبت به موضوع ازدواج می‌گردد. از این رو در پی جرم‌انگاری ازدواج اجباری در قوانین ملی بسیاری از کشورها، جامعه بین‌المللی نیز با جرم‌انگاری این عمل در قالب جرمی بین‌المللی، در صورت ارتکاب آن با تحقق ضوابط عمومی جنایت علیه بشریت، پا را از اسناد حقوق بشری فراتر گذاشت که در این راستا، رأی شعبه تجدیدنظر دادگاه ویژه برای سیرالئون (۲۰۰۸) را می‌توان نقطه عطفی در برخورد با این پدیده دانست.

نتیجه‌گیری

حیات، آزادی و برابری انسان‌ها از دیر باز به طرق مختلفی نقض شده است. بر همین مبنا اعلامیه جهانی حقوق بشر بر اهمیت این موضوع تأکید می‌کند که همه افراد بشر آزاد و با حیثیت و حقوق یکسان زاییده می‌شوند و دارای موهبت، خرد و وجدان هستند. هر فردی می‌تواند بدون هیچ تمایزی به ویژه از حیث نژاد، رنگ و جنس از تمام آزادی‌ها بهره‌مند شود. از این رو جوامع بین‌المللی و ملی در طول تحولات تاریخی به روش‌های مختلف در صدد پیشگیری از این تعارض بوده‌اند و در این راستا اسناد مختلفی تدوین شد و الزام‌هایی را در سطح بین‌المللی و داخلی برای کشورها و افراد ایجاد کردند. ازدواج اجباری به عنوان یکی از اشکال برده‌داری معاصر، در نقاط مختلف جهان رخ می‌دهد و دولت‌ها باید ضمن اتخاذ اقدامات اجرایی مؤثر در کنار قانون‌گذاری در راستای مقابله با ابعاد مختلف آن اقدام نمایند. از این رو می‌بایست در کشورها به جرم‌انگاری ازدواج اجباری و تحمیلی بپردازند. ازدواج اجباری غالباً توسط والدین به فرزندان تحمیل می‌شود و تقریباً می‌توان گفت که دختر و پسر جوان، قدرت اختیار و تصمیم‌گیری در هنگام ازدواج ندارند. اگر تشکیل خانواده بنا بر توافق زن و مرد نباشد مشکلات زیاد و گاهی غیرقابل جبران را به بار می‌آورد. در ازدواج اجباری این زنان هستند که صدمه بیشتری می‌بینند چه از طرف جامعه و چه از طرف خانواده. در صورتی

که فردی نخواهد با کسی ازدواج کند هر چند دلایل او منطقی و درست هم نباشد به نفع هر دو نفر است که با هم ازدواج نکنند. و چه بسا بیشتر به نفع طرف مقابل باشد که از چنین ازدواجی دور شود. به هیچ عنوان نباید افراد را حتی به دلایل منطقی برای ازدواج با یکدیگر مجبور کرد و آن‌ها را به آسیب‌ها و خطرات ازدواج اجباری دچار کرد. قانونگذار عراقی ازدواج اجباری را در یک ماده تنظیم می‌کند که همان ماده نهم قانون احوال شخصیه است و برای آن مجازات در نظر گرفته است. هر چند در نظام حقوقی ایران نیز در فصل هفتم قانون حمایت خانواده و نیز قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ این اعمال را مورد اشاره قرار داده است. برای مبارزه با پدیده ازدواج اجباری و تاکید بر حق طبیعی دختران در همسرگزینی باید بپذیریم که بسیاری از رسوم و سنت‌های غلط ما احتیاج به اصلاح و تغییر دارد. اولاً ارتقاء آگاهی خانواده در خصوص حقوق دختران و نیز تبعات ناگوار ناشی از چنین پدیده‌ای در پیشگیری از ازدواج‌های تحمیلی مؤثر است. دوم، ضرورت جرم انگاری و تدوین قوانین مناسب جهت حمایت از زنانی که قربانی ازدواج تحمیلی قرار گرفته‌اند. سوم، ضروری است از طریق آموزش و دانش افزایی والدین نسبت به روحیات جوانان، استقلال طلبی، احترام به انتخاب حق همسرگزینی دختران، از وقوع چنین شرایطی پیشگیری نمود. چهارم، تعیین سن مناسب ازدواج یکی از اقدامات قانونی برای کاهش ازدواج‌های اجباری، تعیین سن مناسب برای ازدواج است. در پایان توصیه می‌شود در ایران و نیز عراق سازوکارهایی تقنینی (جرم انگاری) و اجرایی در حمایت از اشخاصی که در معرض اجبار خانوادگی و فامیلی برای ازدواج قرار می‌گیرد، مورد توجه قرار دهد.

منابع

- ارجمندی، غلامرضا، نوروزی، ابوالقاسم، (۱۳۸۹)، حل منازعات قومی در میان عشایر بختیاری ایذه، رسم خون بری یا خون بس، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال ۱، شماره ۱، ۴۴-۱
- افضلیان، مینا، شامیاتی، هوشنگ، شاملو، باقر (۱۳۹۸). مبانی توجیهی ضرورت مداخله کیفری در حوزه حقوق مالکانه افراد نسبت به اراضی کشاورزی، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۴۳، ۱۱۰-۸۹
- امامی، حسن، (۱۴۰۱)، حقوق مدنی، تهران: اسلامیه، چاپ چهل و یکم، جلد اول
- امیری، فاطمه، (۱۳۸۹)، توسعه حقوق بین‌المللی کیفری بر پایه جرم انگاری ازدواج اجباری به عنوان جنایت علیه بشریت توسط دادگاه ویژه سیرالئون، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، سال ۲۷، شماره ۴۳، ۲۶۷-۲۹۱
- انوری، حسن، (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن، چاپ اول
- بیات، فرهاد، بیات، شیرین، (۱۳۹۸)، شرح جامع حقوق مدنی، تهران: ارشد، چاپ هیجدهم
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۴۰۱)، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، چاپ سی و ششم
- حلی، حین بن یوسف (بی‌تا). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- ذاکری، قمرالسلطان، (۱۳۹۶)، آسیب شناسی ازدواج اجباری و مسئولیت والدین، کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین علوم انسانی در قرن ۲۱، شماره ۹۸، ۱۳-۱
- رضوی فرد، بهزاد، مرادقلی، حسین، ضرغامی، حسین، (۱۳۹۵)، بررسی آثار ترمیمی اجرای مراسم خون صلح، مطالعات موردی استان کرمانشاه، مجله حقوقی دادگستری، سال ۸۰، شماره ۹۴، ۱۸-۱
- زیعلی، فخرالدین عثمان بن علی (بی‌تا). تبیین حقائق شرح کنزالدقائق، پاکستان: مکتبه امدادی ملتان
- سلیمی، صادق، (۱۳۸۶)، قاچاق انسان و مبارزه با آن در حقوق کیفری ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۷، شماره ۲۶، ۲۸۵-۲۶۵
- شحیت دلفی، محمدرزاق، پورخاقان شاهرضایی، زینب، جبوری، اسماعیل، علامه، مهدی، (۱۴۰۳)، مطالعه تطبیقی تعارض قوانین مرتبط با نکاح در نظام‌های حقوقی ایران و عراق، مطالعات فقه اقتصادی، دوره ۶، شماره ۵، ۶۸۷-۷۰۲
- عطاشنه، منصور، ایرانی، منصور، (۱۳۹۶)، آیین فصل و کارکرد پیشگیرانه ترمیمی از تکرار جرم: مطالعه موردی ده قبیله بزرگ عرب در شهر اهواز، دانشنامه عدالت ترمیمی، زیر نظر محمد فرجیها، تهران: میزان

- عوده، عبدالقادر (۱۴۵۱). التشریح الجنایی الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعی، بیروت: موسسه رساله، چاپ سیزدهم
- فیض، علیرضا (۱۳۹۰). مقارنه و تطبیق در حقوق جزای اسلام، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (طبع و نشر)، چاپ هشتم
- کاتوزیان، ناصر، (۱۴۰۱)، قانون مدنی در نظام حقوقی کنونی، تهران، میزان: چاپ شصت و چهارم
- کاتوزیان، ناصر، (۱۴۰۲)، دوره حقوق مدنی خانواده (نکاح و طلاق، روابط زن و شوهر)، تهران: گنج دانش، چاپ هفتم
- کاتوزیان، ناصر، (۱۴۰۲)، قواعد عمومی قراردادها، تهران: گنج دانش، چاپ بیست و دوم
- کوشکی، غلامحسین، حسین وند، موسی، (۱۳۹۶)، سنت میانجیگری د قوم بختیاری همسو با آموزه‌های عدالت ترمیمی، دانشنامه عدالت ترمیمی، میزان، دوره ۲، ۲۱-۱
- لوزیک، دانیلین، (۱۳۹۴)، نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی، ترجمه: سعید معیدفر، تهران: امیرکبیر، چاپ ششم
- مصطفی، حامد، (۲۰۱۷)، مبادئ القانون الدولي الخاص من منظور القانون العراقي، الطبعة السادسة، القاهرة، دار النهضة العربیه
- معین، محمد، (۱۳۹۰)، فرهنگ فارسی، تهران: بهزاد، چاپ سوم، جلد چهارم
- مقدس، محمدباقر، عامری، زهرا، (۱۳۹۵)، ازدواج اجباری؛ از ممنوعیت انگاری تا جرم انگاری، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۲۱، ۱۹۸-۱۶۹
- وامقی، مروئه، (۱۳۹۰)، خسونت خانگی، گزارش وضعیت اجتماعی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۰)، زیر نظر سعید مدنی قهقرخی، تهران: رحمان
- American Convention on Human Rights, 1969, Art17.para 3.
- CEDAW Committee General Recommendation, 1981, No.19, p.11.
- Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Womens, Res34/18Des 1978, Art. 16
- Cruvellier, T and Wierda,M. 2009, the special court for sierra leone: the first eighteen months international center for transitional justice (ICTJ), case study series, available at www.icty.org/images/content/1/0/104.pdf (visited 9 march
- Dauvergne, Catherine and Millbank, Jenni, 2010, Forced Marriage as a Harm in Domestic and International Law Modern Law Review, Vol. 73, pp. 57-88
- Millbank, Jenni & Catherine Dauvergne. 2010, "Forced Marriage as a Harm in Domestic and International Law", The Modern Law Review, 73(1), 2010.
- Quek, Kaye. 2013, "A Civil Rather Than Criminal Offence? Forced Marriage, Harm and the Politics of Multiculturalism in the UK", The British Journal of Politics and International Relations, 15(4)
- Recommendation on Consent to Marriage, Minimum Age for Marriage & Registration of Marriage, Resolution 2018 (XX),I Nov. 1965.

Resolution 1468, Forced Marriage, Child Marriage, Parliamentary Assembly of European Council, 2005, para. 13.

UNdoc. A/HRC/4/23, Report of the Special Rapporture on the human Rights aspects of the victims of trafficking in persons, especially women and children, Sigma Huda, 24 Jan 2007, para 20.

Wilson, Amrit. 2007, "The Forced Marriage Debate and the British State", Race & Class, 49(1)

۳۰۰

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره سی‌یازدهم،

شماره چهارم،

شماره پیاپی پنجاه

و یکم، زمستان

۱۴۰۲